

DOR: 20.1001.1.26453800.1399.4.7.10.5

Analysis of Satire techniques in the novel *Cardamom Candy*

Naeemeh Torkmanniya^{1*}

Lecturer at Azad University of Mashhad Branch

Hossein Abbas Zadeh²

M.A. in Children Literature, Payam Nour University, Fariman Center

(Received: 07/02/2020; Accepted: 17/07/2020)

Abstract

*Satire and making use of satire techniques have existed throughout the literary history of Iran and many storytellers have used this feature and one of the important events that has taken place in the realm of Persian literature is the entry of satire into the domain of Holy Defense Literature. One of the authors of this type of fiction is Mehrdad Sedghi, a young author who has eight satire books in his repertoire so far, and here one of these eight works (*Cardamom Candy*) has been analyzed in terms of techniques of writing satire. In the first place, this article is concerned with recognition and categorization of all the techniques in the creation of satire and then analyzes such techniques in *Cardamom Candy*. The findings of the study indicate that the intended work has taken advantage of all satire techniques and in the categorization of techniques, the work has tended more towards the techniques belonging to the second category, i.e. the techniques which are based on language content and such techniques have more frequency in this regard, and in a more detailed and precise manner, it can be concluded that character-oriented techniques from the indices of the techniques based on language content have occurred much stronger and with more potentiality.*

Keyword: *satire, technique, Resistance Literature, novel, Candy Cardamom.*

1 . * Corresponding Author: torkmanniya55@yahoo.com

2 . hossein_5882@yahoo.com

بررسی تکنیک‌های طنز در رمان آبنبات هل دار

نعیمه ترکمن نیا^{۱*}

مدرس دانشگاه آزاد مشهد

حسین عباس‌زاده^۲

کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه پیام نور، مرکز فریمان

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۷)

صفحات: ۱۶۰-۱۴۳

چکیده

طنز و بهره بردن از تکنیک‌های طنز، در طول تاریخ ادبی ایران وجود داشته است و داستان‌نویسان از این مقوله بسیار استفاده کرده‌اند و یکی از اتفاقات مهمی که در عرصه ادبیات فارسی به وجود آمده، ورود طنز به حیطه ادبیات دفاع مقدس است. یکی از این نویسندگان این نوع از ادبیات داستانی، مهرداد صدقی نویسنده جوانی است که تا کنون هشت کتاب طنز را در کارنامه خود دارد و در این مقاله یکی از این هشت اثر (آبنبات هل دار) از نظر شگردهای طنزنویسی بررسی شده است. این مقاله ابتدا به شناخت و دسته بندی همه تکنیک‌های طنزآفرینی پرداخته است سپس به بررسی این تکنیک‌ها در اثر «آبنبات هل دار». یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در این رمان از همه تکنیک‌های طنزآفرینی بهره برده شده است و در تقسیم‌بندی تکنیک‌ها، رویکرد اثر بیشتر به سمت شگردهای دسته دوم یعنی تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان گرایش داشته است و فراوانی آن شگردها در این زمینه بیشتر بوده است و به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر می‌توان این گونه نتیجه گرفت که شگردهای شخصیت‌محور از زیر شاخص‌های تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان، خیلی قوی‌تر و با قدرت بیشتر در رمان ظاهر شده‌اند.

کلمات کلیدی: طنز، تکنیک، ادبیات پایداری، رمان، آبنبات هل دار.

۱. * نویسنده مسئول: torkmanniya55@yahoo.com

۲. hossein_5882@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از اتفاقات مهمی که در عرصه ادبیات فارسی به وجود آمده، ورود طنز به حیطه ادبیات دفاع مقدس است (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۳۸). با مرور مطالعات این حوزه می‌توان گفت طنز واژه‌ای است عربی و در لغت معادل افسوس، سخریه، استهزاء، دست‌انداختن، طعنه‌زدن، سرزنش کردن، ناز و کرشمه و... است و در عرف ادب به روش ویژه‌ای در نویسندگی (اعم از نظم و نثر) گفته می‌شود که در آن نویسنده با بزرگنمایی و نمایان‌تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص و روابط حاکم در حیات اجتماعی در صدد تذکر، اصلاح و رفع آن‌ها برمی‌آید (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۸۹). در طول حیات طنز، شیوه‌ها و تکنیک‌های مختلفی برای ایجاد طنز در آثار ادبی به کار گرفته شده است همچنین معانی مختلفی نیز برای واژه طنز در نظر گرفته شده است. طنز در اصطلاحات و تعبیرات جبهه‌ای با همه تازگی و گوناگونی، دارای یک سری ارزش‌های متمایز و ویژه است چه در آن غلبه معنا مطرح است، گرچه به ظاهر طنز و مطایبه و دیگر تکنیک‌ها حضور دارند، اما فرهنگ جبهه‌ای و طنز جبهه‌ای، ارزش‌های الهی و انسانی مردم دلیر ایران را به نمایش می‌گذارد (نجف‌زاده بارفروش و فرجیان، ۱۳۷۰: ۸۹۸). جنگ و روایت جنگ هنوز هم کم‌وبیش در انحصار گروهی است که وجه غالب دیدگاهش را نوعی اسلام‌گرایی تشکیل می‌دهد. جدا کردن روشنفکران از جنگ به این انجامیده است که جنگ و ابعاد انسانی و روانی و سیاسی و اجتماعی آن از حوزه تحلیل‌های روشنفکرانه در خور، برخوردار نباشد (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۱۳۰۲). از این رو و بنا بر نیاز ادبیات به این تحول و دگراندیشی، طنز بهترین گزینه‌ای است که می‌تواند رویکردی تازه و متفاوتی به این ادبیات ببخشد. با توجه به اینکه آثار طنز در حیطه و حوزه ادبیات و ادبیات پایداری رو به افزایش است همچنین مقالات و پژوهش‌های محدود و کمی نیز با موضوع بررسی و شیوه به کارگیری تکنیک‌های طنز وجود دارد؛ بنابراین لازم و ضروری است تا با شناخت، معرفی و سنجش این تکنیک‌ها آثار شاخص و برتر شناسایی شوند و نوع به کارگیری این شگردها در این نوع آثار مشخص شود و گام‌های مؤثری در این راستا برداشته شود.

۱-۱- بیان مسأله، هدف و سؤالات پژوهش

طنز با نگاهی انتقادآمیز و بی‌طرفانه به پدیده جنگ و مفاهیم دینی و نقد مسائل انسانی با منظری نو، محدودیت‌های این ادبیات را درهم می‌شکند و بستر مناسبی برای طرح نظریات روشن‌بینانه فراهم می‌آورد (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۳۹). با توجه به این ضرورت، این مقاله بر آن است تا تکنیک‌های طنز را در رمان «آب‌نبات هل‌دار» که به صورت غیرمستقیم به دفاع مقدس پرداخته است، بررسی کند سپس تکنیک‌های غالبی که نویسنده اثر از آن‌ها بهره برده و در پیشبرد اتفاقات داستانی به کار گرفته است شناسایی و دسته‌بندی نماید و نقاط قوت و ضعف آن تکنیک‌ها در بافت داستانی اثر را ارزیابی کند.

در این پژوهش، پاسخ به سؤالات زیر، محورهای اساسی این مقاله را شامل می‌شود:

۱. تقسیم‌بندی تکنیک‌های طنز به چه صورت است؟
۲. تکنیک‌های طنز به کار رفته در این رمان کدام است؟
۳. بیشترین و قوی‌ترین تکنیک استفاده شده در این رمان چیست؟

۲-۱- پیشینه پژوهش

سابقه و پیشینه مطالعات با موضوع طنز به سه بخش تقسیم می‌شود؛ اول، کتاب‌هایی که با موضوع کلی طنز و تکنیک‌های طنز نوشته شده‌اند که می‌شود به کتاب‌های «کاوشی در طنز ایران» جلد ۱ و ۲ نوشته نبوی (۱۳۷۸ و ۱۳۸۰) و کتاب‌های «درباره طنز» نوشته حری (۱۳۸۴) همچنین کتاب «تاریخ طنز در ادبیات فارسی» نوشته جواد (۱۳۸۴) اشاره کرد. بخش دوم، مطالعات، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی است که تکنیک‌های طنز را در ادبیات داستانی ایران بررسی کرده‌اند. از آنجایی که تکنیک‌ها و شیوه‌های طنز آفرینی در ادبیات داستانی با موضوع دفاع مقدس با سایر موضوعات مشترک و یکی هستند برخی از این آثار در ادامه به صورت مختصر معرفی می‌شوند:

بهره‌مند (۱۳۸۹)، در مقاله «آیرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه» تفاوت آیرونی را با طنز، طعنه، کنایه و صنایع بدیعی و بلاغی مشابه توضیح می‌دهد و برای این شناخت به سراغ علوم بدیع، بیان و معانی رفته است و به این نتیجه رسیده است که تمام این اصطلاحات فقط بخشی از مفهوم آیرونی را نشان می‌دهد.

بهزادی اندوهجردی (۱۳۹۰)، در مقاله «ساز و کارهای طنز آفرینی در داستان‌های کوتاه جلال آل احمد» به این نتیجه رسیده است که در چهار مجموعه، از ۵ مجموعه داستان آل احمد، از عناصر طنز استفاده شده است و شگردهای طنز آفرینی وی را نیز در درون‌مایه طنز همچنین استفاده از طنز کلامی معرفی کرده است.

فشارکی و هاشمی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل داستان گدای ساعدی بر اساس اصول و ویژگی‌های مکتب آگزیستانسیالیسم»، ابتدا مکتب آگزیستانسیالیسم را به طور کامل معرفی و تشریح کرده‌اند سپس اصول این مکتب را در داستان «گدا» از غلامحسین ساعدی با روش کتابخانه‌ای-اسنادی بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که تمامی ویژگی‌های این مکتب در قالب شخصیت «خانم بزرگ» ارائه شده است.

صفایی و ادهمی (۱۳۹۳) در مقاله «نمود تکنیک‌های طنز در ساختار پیرنگ‌های داستان فرهاد حسن‌زاده» با بررسی سه مجموعه داستان، از فرهاد حسن‌زاده، ابتدا تکنیک‌های طنز این مجموعه‌ها را شناسایی سپس بسامد این تکنیک‌ها را در پیرنگ بررسی کرده‌اند. نتایج این مقاله از این قرار بوده است که تکنیک‌های طنز متنوعی به کار گرفته شده است و در میان قسمت‌های مختلف، پیرنگ داستان‌ها، شروع و گسترش بسامد بیشتری از تکنیک‌های طنز را به خود اختصاص داده‌اند.

سزاوار و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «شیوه طنزپردازی فرهاد حسن‌زاده بر مبنای نظریه ایوان فونناژی» نظریه فونناژی را معیاری مناسبی برای بررسی تکنیک‌های طنز در آثار داستانی معرفی کرده‌اند و پس از بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که حسن‌زاده از مصادیق مختلف انحراف از معیار، به ویژه اتصال کوتاه و تخریب حدس به عنوان وجه غالب طنزپردازی استفاده کرده است.

علاوه بر پژوهش‌های بالا، مقالات و تحقیقات دیگری نیز در این حیطه نوشته شده است که به چند نمونه به صورت مختصر اشاره می‌شود. اکرمی و پیشوایی (۱۳۸۹)، در مقاله «نقدی بر آثار طنز عمران صلاحی از منظر تنوع قالب‌ها»؛ نصر اصفهانی و فهیمی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به طنز اجتماعی در دو اثر از آنتوان چخوف و صادق هدایت»؛ حسام‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی»؛ حسنی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تکنیک‌های طنز در رمان دایی جان ناپلئون» و مجیدی فشمی (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان

«تحلیل مقایسه‌ای طنز نوجوان در آثار داستانی فرهاد حسن‌زاده و سید سعید هاشمی» ویژگی‌های طنز را بررسی کرده‌اند. و بخش سوم، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی است که به‌طور مستقیم درباره بررسی شیوه‌های طنز در ادبیات پایداری و دفاع مقدس انجام شده است. در این زمینه شش پژوهش با تمرکز بر ادبیات داستانی دفاع مقدس چاپ شده‌اند که عبارت‌اند از:

قیصری و صرفی (۱۳۸۸)، در مقاله خود با عنوان «طنز در کتاب جنگ دوست‌داشتنی» شیوه‌های طنز را در کتاب جنگ دوست‌داشتنی نوشته سعید تاجیک بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که این کتاب با بهره‌بردن و تلفیق دو شیوه طنز موقعیت و طنزهای مبتنی بر ظرفیت‌های زبانی توانسته خاطرات کتاب را ارزشمند و خواندنی کند.

شریف‌پور و قیصری (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «بررسی مضامین طنز در خاطره‌نوشته‌های دفاع مقدس» طنز را در خاطرات دفاع مقدس بررسی کرده است و دو شگرد عمده خلق طنز در این خاطرات را، طنز موقعیت و طنز مبتنی بر عبارت دانسته است.

صفایی و ادهمی (۱۳۹۳)، در مقاله خود با عنوان «بررسی و تحلیل تکنیک‌ها و الگوهای طنز در داستان‌های برگزیده ادبیات دفاع مقدس» شیوه‌ها و تکنیک‌های طنز را در چهار داستان برگزیده ادبیات دفاع مقدس با عنوان‌های «مردارخوار»، «هانی»، «ساعت‌ها همه خواب‌اند» و «صید ماهی صبور» بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که این تکنیک‌ها را می‌توان به دو دسته تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان و تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان تقسیم کرد.

جابری اردکانی و حسینی (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «شیوه طنزپردازی در دو اثر از اکبر صحرایی» به کمک «نظریه عمومی طنز کلامی» طنز در مجموعه‌های خمپاره خواب‌آلود و آنا هنوز می‌خندد، بررسی کرده‌اند و با تکیه بر دو مقوله مهم «تقابل انگاره» و «مکانیسم منطقی»، بیست داستان کوتاه را بررسی کرده‌اند. این بررسی نشان داده است که تقابل در طنزها تنها به یک نوع محدود نیست و گاه در یک داستان، چند نوع تقابل دیده می‌شود و اساس همه تقابل‌ها، تقابل دانایی و نادانی است.

توکل (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه خود با عنوان «طنز در ادبیات نمایشی دفاع مقدس با نگاهی به آثار علیرضا نادری» پنج اثر مرتبط با دفاع مقدس علیرضا نادری از نظر تکنیک‌های طنز بررسی شده است و یافته‌ها حاکی از آن است که طنز کلامی نادری پرکاربردتر از طنز موقعیت است و بیشتر از تکنیک بزرگنمایی استفاده کرده است.

عبدی‌زاده (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی آبرونی در آثار اکبر صحرایی و داود امیریان» مصادیق آبرونی کلامی و بلاغی را در آثار دو نویسنده ادبیات پایداری بررسی کرده است. نتایج نشان داده است که در آبرونی کلامی، جابه‌جایی و مقایسه بین دو امر و بلاغت و تحامق بیشترین استفاده و در آبرونی بلاغی کنایه، تشبیه و طعنه بیشترین نقش را داشته‌اند. امیریان بیشتر از کنایه‌های کوچک و بازار همچنین ابهام استفاده کرده است و در این امر از صحرایی پیشی گرفته است.

درباره بررسی طنز در ادبیات پایداری مطالعات بسیاری انجام نشده است و تحقیق و پژوهش چندی که در این زمینه صورت گرفته مربوط به سال‌های پیش می‌باشد که همه آن‌ها در این مقاله آورده شد، اما همچنان با وجود این آثار و روش‌های مختلف طنز، کمبود پژوهش در این زمینه به خصوص با موضوع ادبیات دینی و آثار دفاع مقدس احساس می‌شود.

۲- بررسی تکنیک‌های طنز

در ادامه به معرفی طنز و انواع تکنیک‌های آن می‌پردازیم.

۲-۱- طنز

طنز واژه‌ای است عربی و در لغت معادل افسوس، سخریه، استهزاء، دست‌انداختن، طعنه‌زدن، سرزنش کردن، ناز و کرشمه و ... است و در عرف ادب به روش ویژه‌ای در نویسندگی (اعم از نظم و نثر) گفته می‌شود که در آن نویسنده با بزرگنمایی و نمایان‌تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص و روابط حاکم در حیات اجتماعی در صدد تذکر، اصلاح و رفع آن‌ها برمی‌آید (نیکویخت، ۱۳۸۰: ۸۹).

در اصطلاح ادبی، طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد. طنز گرچه طبیعتش بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها. به همین خاطر درباره آن گفته‌اند: طنز یعنی گریه کردن قاه قاه، طنز یعنی خنده کردن آه آه (اصلانی، ۱۳۸۵: ۱۴۰ و ۱۴۱).

طنز شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی، انتقادی، سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز ناشی از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه است که دم زدن از آن‌ها به صورت عادی یا جدی، ممنوع و معتذر باشد که در پوششی از استهزاء و نیش خند است به منظور نفی کردن و برافکندن ریشه‌های فساد و موارد بی‌رسمی. به عبارت ساده‌تر طنز را می‌توان انتقاد و نکته‌جویی آمیخته به ریش‌خند تعریف کرد و آن را طرزی خاص از انواع ادبی برشمرد (اندوه‌جردی، ۱۳۷۸: ۵).

در ادبیات فارسی واژه Satire را برابر با طنز به کار برده‌اند (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۵). در کتاب انواع ادبی، Satire از زیرمجموعه‌های هجو معرفی شده است (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳۵). هجو یعنی به تمسخر گرفتن عیب‌ها و نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض شخصی و آن ضد مدح است (صلاحی و اسدی‌پور، ۱۳۸۴) و Satire از اقسام هجو است، اما فرق آن با هجو این است که آن تندی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست و انگهی در طنز معمولاً مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مطرح است (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳۵). از طرف دیگر واژه Irony در فرهنگ اصطلاحات انگلیسی از لحاظ مفهومی و نوع کاربرد بسیار با طنز همپوشانی دارد. آیرونی انواع گوناگونی دارد که مهمترین آن در بردارنده وارونه‌نمایی و نادان‌انگاری است که خود از مهمترین تکنیک‌های طنز می‌باشد (آبرامز، ۱۹۹۹: ۱۳۵). با این توصیف آنچه در فارسی به طنز شهرت یافته در حقیقت معادل ساتیر و آیرونی است. به نظر می‌رسد عبارت طنز و مطایبه بتواند معادل مناسبی برای این دو واژه‌ی انگلیسی باشد (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴). صلاحی درباره سابقه «طنز» در ادبیات فارسی می‌گوید:

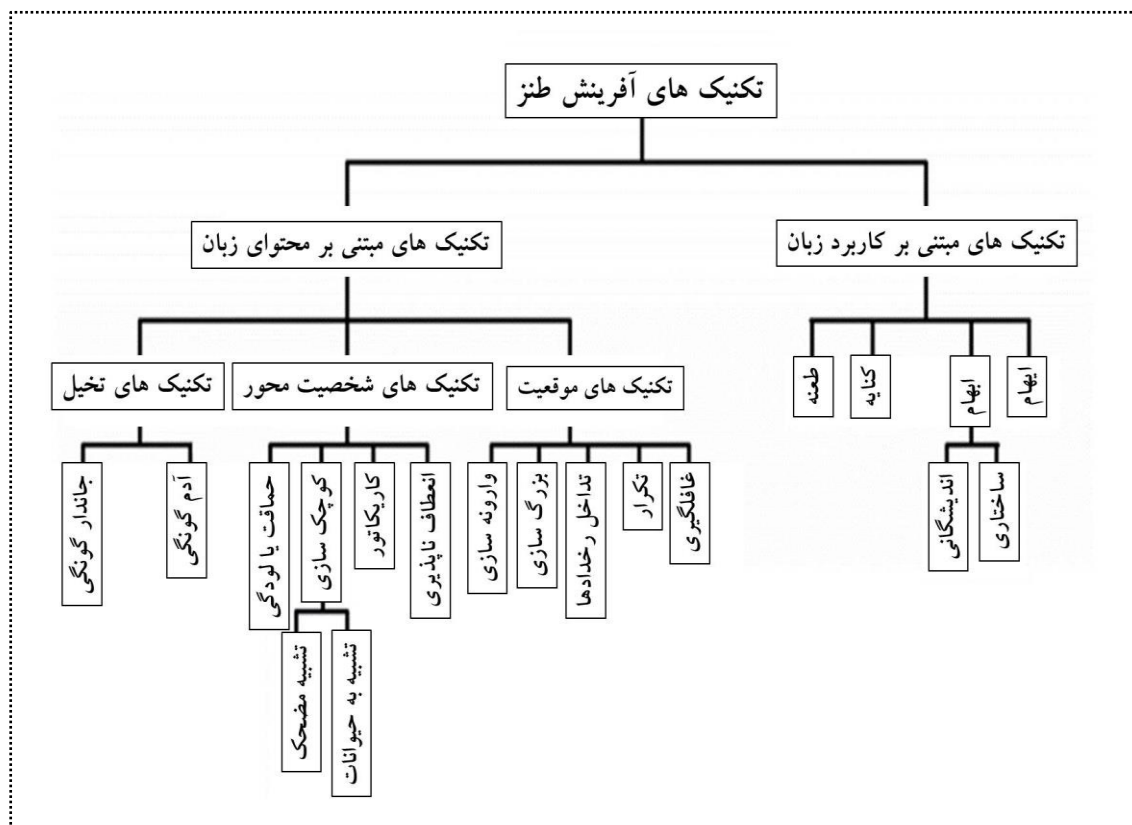
«در ادبیات کهن ما چیزی به نام طنز به چشم نمی‌خورد. در ادب کهن ما، برای مضاحک در اصل دو اصطلاح بوده است، کلمه طنز در همین چهل-پنجاه سال اخیر در ادبیات ما متداول شد. شاید از زمان مرحوم دهخدا و روزنامه‌صور اسرافیل. معنی لغوی طنز گفتن، مسخره کردن و به طعنه چیزی را گفتن است؛ ولی در قدیم کلمه طنز معنا یا معانی دیگری غیر از آنچه که ما از آن استنباط می‌کنیم داشته

است (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۲۴ و ۵۲۵).

«در میان محققان ادبیات فارسی هیچ‌کس به دقت شمیسا مباحث طنز و مطایبه را طبقه‌بندی نکرده است. او طنز را یک نوع ادبی مستقل به‌شمار نمی‌آورد و به آن به دید یک نوع فرعی می‌نگرد. وی معتقد است این نوع ادبی یک ساختار درونی است و نمی‌شود آن را در شکل بیرونی و ساختار ظاهری انواع ادبی گنجانده. به نظر می‌آید سخن شمیسا درست باشد چون طنز و مطایبه تقریباً در بیشتر قالب‌های ادبی قابل مشاهده است و ظاهراً نمی‌توان آن را یک نوع ادبی مستقل به‌شمار آورد و در مقابل، وجود آن را هم نمی‌توان نفی کرد» (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳).

۲-۲- تکنیک‌های خلق طنز

یک داستان‌نویس طنزپرداز برای خلق اثر طنز نیازمند شگردهایی است تا بتواند فضای طنز را در بافت داستان جای دهد. هر چقدر این تکنیک‌ها تنوع بیشتری داشته باشد بر جذابیت طنز داستان افزوده می‌شود (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۱۲۴). به‌طور کلی تکنیک‌های طنزآفرینی به دو دسته تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان و تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان تقسیم می‌شود که هر کدام از این دو نیز شامل شیوه‌هایی هستند که به‌طور کامل به‌صورت نمودار در اینجا آورده می‌شود (ر.ک صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۴۲). سپس این تکنیک‌ها و شیوه‌ها در رمان «آب‌نبات هل دار» نوشته نویسنده جوان مهرداد صدقی بررسی می‌شود.



۲-۳- رمان آبنبات هل‌دار

مهرداد صدقی نویسنده جوان طنزپردازی است که در سال‌های گذشته خیلی خوب توانسته است جای خود را بین طنزپردازان مطرح کشورمان باز کند. وی متولد ۱۳۵۶ در شهرستان بجنورد استان خراسان شمالی است. این روزها نام مهرداد صدقی با هشت کتاب طنزی که تا کنون از او منتشر شده است گره خورده است. عناوین هشت کتاب وی بدین ترتیب هستند: نقطه ته خط، آبنبات هل‌دار، مغز نوشته‌های یک جنین، مغز نوشته‌های یک نوزاد، میرزا رویات، رقص با گربه‌ها، تعلیمات غیراجتماعی و آبنبات پسته‌ای که دو کتاب آخر به تازگی چاپ شده‌اند (<http://www.farsnews.com>). رمان «آبنبات هل‌دار» را دفتر طنز و انتشارات سوره مهر حوزه هنری برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ با ۲۵۰۰ نسخه در ۴۱۱ صفحه چاپ کرد. با توجه به استقبالی که از کتاب شد به چاپ‌های بعدی نیز رسید همچنین به عنوان کتاب سال در بخش رمان چهاردهمین دوره جایزه شهید حبیب غنی‌پور و کتاب سال در نخستین دوره انتخاب کتاب برگزیده خراسان شمالی انتخاب شده است. این رمان سال‌های دفاع مقدس را از نگاه کودکی بجنوردی با زبان طنز و راوی اول شخص به صورت غیرمستقیم روایت می‌کند که ادامه این داستان در کتاب آبنبات پسته‌ای منتشر شده است. محسن کودک بجنوردی حاضر جوابی است که سال‌های اول انقلاب و دفاع مقدس تا زمان آزادی و برگشت آزادگان را با زبانی طنز و با استفاده از نوستالژی آن دهه و با لهجه بجنوردی روایت می‌کند. برادرش محمد عازم جبهه شده، اسیر می‌شود و محسن پس از برادر بزرگتر و در زمان اسارت وی قرار است که تغییر کند و در طی این تغییرات نیز موقعیت‌های طنز به وقوع می‌پیوندد، اما در نهایت این تغییر به صورت شایان توجهی اتفاق می‌افتد.

۲-۴- بررسی تکنیک‌های طنز در رمان آبنبات هل‌دار

بنا به جمع‌بندی مطالعات انجام شده، تکنیک‌های طنز به دو دسته تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان و تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان تقسیم شد که در اینجا نیز بنا به این دو بخش این شگردها در رمان «آبنبات هل‌دار» بررسی می‌شود.

۲-۴-۱- تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان

تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان عبارت‌اند از: کنایه، طعنه، ابهام، ابهام، بازی‌های زبانی - بیانی که هر کدام را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۲-۴-۱-۱- کنایه

کنایه، گفتن لفظ یا سخنی که بر غیر معنی اصلی خودش و به معنی و مدلول دیگری دلالت کند. کلمه‌ای که غیر از معنی حقیقی خود برای معنی و مدلول دیگری استعمال شود (حری، ۱۳۸۷: ۲۷).

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند. پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار ببرد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد» (همایی، ۱۳۸۴: ۲۵۵ و ۲۵۶).

«با استفاده از کنایه، طنزپردازان تعبیری را که ظاهراً معنی زیبایی ندارند یا خلاف معمول هستند به معانی دلخواه خواننده بدل می‌سازند و با پرهیز از تصریح و توسل به تعریض چیزی فرا می‌نمایند و چیز دیگری را اراده می‌کنند. به همین دلیل کنایه، قوی‌ترین وسیله القای معانی در طنز است و وقتی مؤثرتر است که مبالغه‌آمیزتر باشد» (کردچگینی، ۱۳۸۸: ۳۰).

در رمان «آبنبات هل‌دار» از این شگرد بسیار استفاده شده است و این کنایه‌های طنزآمیز توانسته در ایجاد شخصیت و موقعیت طنز کمک بسیاری بکند که در اینجا به سه مثال بسنده می‌شود.

«- کلاً با اعظم خانم در دو حالت نمی‌شد به طور منطقی بحث کرد: یکی موقعی که بچه‌هایش مثل ابر بهار فاتحه رخت‌خواب‌ها را می‌خواندند و دیگری هم در بقیه مواقع، (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵).
- محسن، خب دیگه. کله‌م رو خوردی. بگو چی کار داری؟ (همان: ۲۳۳).
- آقای اشرفی اجازه نداد بیشتر از این کاسه داغ‌تر از آتش شوم. چون مثل اینکه این حرف را منیژه خانم به او گفته بود» (همان: ۳۷۲).

۲-۴-۱-۲- طعنه

طعنه یکی دیگر از مؤلفه‌های دو معنایی است که طنزپرداز آن را برای استهزاء و هجو به کار می‌برد.

از نظر اسکار وایلد طعنه، پست‌ترین حالت مزاح (Wit) است. میان طعنه، کنایه و ابهام، تفاوت ظریف دیگری وجود دارد. در هر سه یعنی در طعنه، کنایه و ابهام، کلمه دو معنا دارد؛ معنای اصلی و معنای مجازی. حال اگر مخاطب بلافاصله از معنای مجازی پی به معنای حقیقی ببرد و منظور گوینده را فوراً دریافت کند Sarcasm است (حری، ۱۳۸۷: ۶۸).

- این محمد دست‌کم نگیرین. هم با حیانه هم با سواد، هم خیلی کارا ازش برمی‌آد. فکر نکنین فقط رفته درس خوانده و هیش قوت نداره. بزخم به تخته خیلی پر زوره. با آقاش که کشتی مگیره آقاش از بالا عین کیسه برنج همچی مکوبه زمین که بیا و ببین! (صادقی، ۱۳۹۲: ۴۲)
- سعی کردم اگر بشود به مامان بگویم. زینب خانم که خیلی پرچانه بود، مدام با مامان درباره ملیحه ما حرف می‌زد و اجازه نمی‌داد به مامان چیزی بفهمانم (همان: ۳۹).

۲-۴-۱-۳- ابهام

ابهام یکی دیگر از مؤلفه‌های دو معنایی است که به کمک این ویژگی گاهی موقعیت طنز ایجاد می‌شود.

این فن کاملاً به جناس نزدیک است و منظور از آن استفاده از اصطلاحی است که همزمان دو معنا می‌دهد ولی یکی از معناها ناپسند یا زشت است. طنز این نوع فن در این است که خواننده یکدفعه با شنیدن آن، معنای دوم آن را می‌فهمد (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۶۳).
- با اینکه موهامیم تازه در آمده بود، خیلی با کچل بودنم فرقی نمی‌کرد. آن‌ها را به هر طرف شانه می‌کردم مثل محمد سر حرف خودشان بودند (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

- توی کلاس مدام سعی می‌کردم از زیر نگاه سنگین فرهاد فرار کنم. معلم داشت درباره آهن‌ریبا توضیح می‌داد و اینکه چگونه باردار می‌شود (همان: ۱۲۶).

۲-۴-۱-۴-۲ ابهام

ابهام در واقع نوعی دو پهلو گفتن است برای طفره رفتن از ذکر حقیقت (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). در ابهام هر دو معنا درست است، اما نبودن اطلاعات کافی مانع از دریافت معنای مدنظر گوینده می‌شود. دکتر فتوحی ابهام را بنا بر نظریه ناسازگاری از انواع ناسازگاری‌های واژگانی می‌داند و درباره آن می‌نویسد:

«کاربرد واژه‌های ابهام‌دار دو معنایی خود یک نوع شوخی زبانی است که موجب اجتماع دو معنای ناهماهنگ می‌شود و از این جهت مایه انبساط خاطر است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۸۵).

«از آرایشگاه که بیرون آمدم کله‌ام مثل کله‌قند شده بود. وقتی که به خانه برگشتیم همین که ملیحه مرا دید خندید و گفت: وای محسن عین ماه شدی‌ها! خدایی ش. کله‌ت هم عین ماه داره مدرخشه و هم پر از چاله چغندر شده» (صدقی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۲-۴-۱-۵-۱-۴-۲ بازی‌های زبانی - بیانی

یکی از شگردهای پر کاربرد طنز، بازی‌های زبانی - بیانی است.

«این روش بیشتر در لطیفه و فکاهه به کار می‌رود. بازی با قواعد صرفی و نحوی کلام، بازی با حروف الفبا، بازی با اعداد، بازی با مدرسه و درس، ساختن کلمه‌ای جدید با حذف یا اضافه کردن جزئی به کلمه، ایجاد تغییر در واژه‌ها و تعبیرهای متداول، درهم ریختن کلمات و تضمین از جمله مظاهر این روش است. در بازی‌های زبانی - بیانی، پایه ساخت و پرداخت طنز، بر اصل چند معنایی کلمات استوار است» (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱).

«با فرا رسیدن شب، مامان و ملیحه هراسیمه به خانه برگشتند. اینکه می‌گویم هراسیمه به این خاطر است که هم سراسیمه بودند و هم انگار از چیزی هراس داشتند» (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

- معلم گفت: تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ‌کس از تاریخ نمی‌آموزد (همان، ۱۲۸).

- باز هم از خودم ندیدم به سمت تلفن بروم. بی‌بی همچنان عین مجسمه، ساکت و بی‌حرکت در حال خوداشتغالی بود (همان، ۱۶۵).

- دفتر دیکته سال قبلم را برداشتم تا با کاغذهای آن آتش درست کنم. توی دلم گفتم: «دیکته جان، دیگر غلط کنی که بنخواهی غلط‌های مرا غلط بگیری» (همان، ۱۷۸).

۲-۴-۲-۲ تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان

تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان عبارت‌اند از: تکنیک‌های تخیل، تکنیک‌های شخصیت‌محور، تکنیک‌های موقعیت که هر کدام را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۲-۴-۱- تکنیک‌های تخیل

الف- آدم‌گونگی/تشخیص

«آدم‌گونگی شگردی است که در آن طنزپرداز عناصر بی‌جان یا جان‌دار غیرانسانی را به رفتار آدمی در می‌آورد و از این طریق باعث حس طنز و خنده می‌شود» (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۵۷).

در این اثر از این شگرد هم استفاده شده است و نمونه‌ای که می‌توان آورد مربوط به خرید ماهی قرمز شب عید توسط محسن است که در غیاب محمد باید او انجام می‌داد. در یک قسمت محسن وقتی از زشت بودن ماهی می‌گوید فروشنده ماهی را به انسان می‌انگارد و جواب می‌دهد مگر می‌خواهی با آن عروسی کنی و در چند خط پایین تر محسن همان ماهی را به بی‌بی‌اش شبیه می‌داند و رفتار انسانی غر زدن را به ماهی نسبت می‌دهد.

«- پولم را نشان دادم. ماهی فروش آکواریوم را بی‌خیال شد و در دبه‌ای را که کنار پایش گذاشته بود باز کرد. از توی دبه، یک ماهی خاکستری ریز درآورد. «اون قرمزه به دردت نمخوره. بیا این کوچیکه ر بگیر. ببین لامصب عین قرقی ممانه». - این که خیلی بد ترکیبه. - تو که نمخوای باهش عروسی کنی که (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

- به اجبار به کیسه پلاستیکی رضایت دادم؛ ماهی هم همین‌طور. (رضایت دادن از رفتارهای انسانی به‌شمار می‌رود) (همان، ۱۹۱).

- نمی‌دانستم ماهی نر است یا ماده. مثل بی‌بی یک سیل کمرنگ داشت. احساس کردم خود ماهی هم شبیه بی‌بی است و مثل او مدام زیر لب دارد غر می‌زند» (همان، ۱۹۲).

ب- جان‌دارگونگی/جان‌بخشی

«در مباحث ادبی آن است که اشیای بی‌جان را به‌صورت جاندار توصیف نمایند. جان‌دارگونگی یا جان‌بخشی در واقع نوعی استعاره کنایی و نظیر آدم‌گونگی است، اما تفاوت آن با آدم‌گونگی در آن است که در آدم‌گونگی اشیاء یا امور ذهنی، رفتاری انسان‌گونه پیدا می‌کنند حال آنکه در جان‌دارگونگی اشیای بی‌جان مثل موجودات جان‌دار رفتار می‌کنند» (داد، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

«- داشتم نگاه می‌کردم بینم این همان لیلا سیاه خودمان است یا نه. چون قیافه‌اش بر عکس همیشه عین روح سفید شده بود و موهایش هم یک جور از پشت عین دم اسب بسته شده بود که های از جایش جدا می‌شد و باز دوباره به کله‌اش می‌چسبید. ابروهایش هم تا جایی که یادم می‌آید قبلاً عین ابروهای هاچین و واچین بود ولی آن شب عین نخ شده بود» (صدقی، ۱۳۹۲: ۵۴).

موی لیلا در اینجا به جزئی از جان‌دار یعنی دم اسب تشبیه شده است.

۲-۴-۲- تکنیک‌های شخصیت‌محور

الف- کوچک‌سازی

این تکنیک خود به دو شیوه و شگرد تشبیه مضحک و تشبیه به حیوانات تقسیم می‌شود.

- تشبیه مضحک

«تشبیه مضحک یکی دیگر از تکنیک‌های ایجاد موقعیت طنز است. در تشبیه مضحک، رابطه میان مشبه و مشبه‌به چنان ناسازگار و خلاف انتظار است که باعث احساس تمسخر و خنده می‌شود. این احساس کمیک را می‌توان حاصل مقایسه ذهنی مشبه و مشبه‌به و درک تضاد میان آن دو از سوی مخاطب دانست» (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۵۶).

«- سعی کرد قیافه‌ای حق به جانب به خود بگیرد و گفت: «خا خدایی شم خنده داره. عین این ممانه که بخوای یک مترسک توی یک کت گشاد قایم کنی (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۳)».

- البته رنگ برات هم پرید و داشت تصور می‌کرد اگر یک وقت با چنین دامادی حرفش بشود با آن هیکل ریزه میزه‌اش چه سرنوشتی در انتظارش خواهد بود. احتمالاً محمد با همان کش شلوار کردی‌اش با او مثل یویو بازی می‌کرد (همان: ۴۲).

- باز فخری فتنه و بتول بخت‌النصر اینجا بودن؟» (همان: ۶۹).

- تشبیه به حیوانات

تشبیه به حیوانات، یکی از شیوه‌های کوچک‌سازی است که در ادبیات جهان همچنان در ادبیات فارسی دارای سابقه طولانی است. از روزگاران بسیار قدیم، افسانه‌سرایان و داستان‌پردازان اغلب یا شاید همه کشورهای، برای بیان مقاصد خود از جهان جانوران و حرکات و سکنات آن‌ها سود جستند (حلی، ۱۳۶۵: ۶۶).

«- تا بچه‌ای خوبی؛ ولی بزرگ که بشی تویم یک خری مِشی مثل بقیه» (صدقی، ۱۳۹۲: ۳۶).

- با خوردن زنگ تفریح باز هم مجبور شدم از دست فرهاد در بروم. عین کنه دنبالم بود (همان: ۱۲۶).
- موقع پرش دوم، فرهاد کمی ارتفاع پشتش را بالا برد تا بتواند مرا معطل کند. عین ملخ از روی پشتش پریدم (همان: ۱۲۷).

- ملیحه و مریم آن‌قدر با هم صمیمی شده بودند که ملیحه به مریم اجازه می‌داد عکس بچگی او را که به قول عمه بتول شبیه بچه میمون بود ببیند» (همان: ۱۴۶).

ب- حماقت یا لودگی

«حماقت یا لودگی شخصیت‌ها یکی از موضوعاتی است که در طنز و کمدی برای آفرینش موقعیت‌های طنز به کار می‌رود. این حماقت‌ها می‌تواند هم به صورت سهوی و ناخواسته باشد و هم به صورت عمدی و تظاهر» (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۵۶).

در رمان «آبنبات هل‌دار» این آیتم از ویژگی‌های «محسن» شخصیت اول داستان است که به ایجاد موقعیت‌های طنز منجر شده است. در این کتاب، این تکنیک بیشتر از طریق محسن استفاده شده است. به‌طور نمونه، محسن با کارهایی که می‌کند مثلاً با درآوردن ادای آقا برات در مراسم خواستگاری یا تغییر دادن نامه ملیحه به محمد برای بازگرداندن او به بجنورد یا پرسیدن سؤال‌های احمقانه از دیگران و... که گاه سهوی و گاه عمدی است.

«- بنابراین به جای فرستادن نامهٔ ملیحه سعی کردم نامهٔ دیگری بنویسم و خبر مربوط به بی بی را تغییر مختصری بدهم. هرچه فکر کردم چیزی به ذهنم نرسید. عاقبت نوشتم که یک نفر به خواستگاری بی بی آمده و بی بی گفته تا محمد نیاید به کسی جواب نمی دهد» (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۹ و ۱۷۰).

ج- کاریکاتور

«در ادبیات، کاریکاتور نوعی تکنیک شخصیت پردازی، به خصوص در کارهای طنز و کمیک است. در این تکنیک، نویسنده با استفاده از اغراق و تحریف در توصیف برخی ویژگی های شخصیتی، فرد مورد نظر را برجسته و مضحک می کند» (اصلائی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

«- داشتم نگاه می کردم بینم این همان لیلا سیاه خودمان است یا نه. چون قیافه اش بر عکس همیشه عین روح سفید شده بود و موهایش هم یک جور از پشت، عین دم اسب بسته شده بود که های از جایش جدا می شد و باز دوباره به کله اش می چسبید. ابروهایش هم تا جایی که یادم می آید قبلاً عین ابروهای هاچین و واچین بود ولی آن شب عین نخ شده بود (صادقی، ۱۳۹۲: ۵۴).
- در یک لحظه آقا جان با چشم هایی که از شیطنت داشتند برق می زد می زدند به من نگاه کرد. از پشت عینک استکانی یک دسته، برق چشم هایش مثل نور فلاش دوربین شده بود. فوری منظورش را فهمیدم و چشم های من هم در جوابش مثل صاعقه برق زدند» (همان: ۷۰).

د- انعطاف ناپذیری

آنچه در انعطاف ناپذیری باعث وضعیت کمیک و خنده می شود این است که در این حالت انسان به یک شیء تبدیل می شود و رفتار او حالتی ماشینی به خود می یابد. کریچلی در تشریح این نظریه برگسون می نویسد:

«ما هنگامی می خندیم که انسان یا موجودی زنده که می پنداریم می توانیم رفتارش را پیش بینی کنیم به - نظرم آن شیء واره یا ماشین وار می شود؛ بنابراین، طنز در بردارنده تبدیل موقتی چیزی فیزیکی به بُعد مکانیکی است به گونه ای که بعد مکانیکی چون جرمی که روی دندان را می پوشاند بر روی موجود زنده قرار می گیرد» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۷۲).

در رمان طنز «آببات هل دار» حزب باد بودن شخصیت بی بی را می توان نوعی انعطاف ناپذیری دانست که همیشه این شخصیت این ویژگی را در هر شرایطی داشت که ابتدا شرایط طرفین را می سنجید و هر طرف که فکر می کرد در آن لحظه قدرت بیشتری دارند فوری نظرش را عوض می کرد. نمونه دیگر تنبیه شخصیت آقا جان بود که هر موقع خشمگین می شد فوری هفتگی محسن را قطع می کرد همچنین محسن باید موهایش را می زد.

«- محمد: بی بی ۱۵ نفر ... نه، اصلاً فرض کنیم ۲۰ نفر، زیاد؟» بی بی که از قیافه محمد کمی ترسیده بود گفت: «نه خداییش! به هر حال اونایم آدمن دیگه. اصلاً برای همچین چیزی ۲۰ تا که هیچی اصلاً بگو ۲۰۰ تا. بازم اشکال نداره». عمه بتول که از جواب بی بی و حرف محمد حرص می خورد، گفت: «بفرما ... هنوز هیچی نشده رفتن با کنترل از راه دور پُرش کردن. بی بی، تو هم رئیس حزب بادیا!»

(صدیقی، ۱۳۹۲: ۶۷).

– آقاجان که غیرتی شده بعد از زدن پس‌گردنی و گفتن این مسأله که باید فردا دوباره موه‌ایم را با نمره ۴ بتراشم و از هفتگی هفته بعدتر هم خبری نیست، مجبورم کرد نامه‌ای برای محمد بنویسم و همه چیز را توضیح بدهم. کلاً آقاجان همیشه منتظر بهانه‌ای بود تا هم هفتگی‌ام را نهد و هم موه‌ایم را کچل کند. انگار کلید حل همه مشکلات عالم در کچل بودن من بود» (همان: ۱۷۳).

۲-۴-۳- تکنیک‌های موقعیت

الف- بزرگ‌سازی

یکی دیگر از تکنیک‌های رایج طنز بزرگ‌سازی است. در تعریف بزرگ‌سازی آمده است:

«بزرگ جلوه دادن موقعیت زندگی است تا بدان حد که باعث خنده شود، معایب آن درشت جلوه کند» (حری، ۱۳۸۷: ۷۱)

– اعظم خانم مادر سعید، که همیشه خدا حامله بود، عصبانی آمد روی بالکن. یک بچه بغلش بود، یک بچه دستش را گرفته بود، بچه دیگرش، پایین، پشت دامن سعید قایم شده بود و آخرین بچه هم توی شکمش برعکس نشسته بود (صدیقی، ۱۳۹۲: ۱۵).

– برای اینکه سر و صدا نکنیم، بازی با توپ را بی‌خیال شدیم و رفتیم سراغ یک بازی بی‌سر و صدا، آرام، جذاب، مهیج و غیرآبرومند یعنی توشله بازی (همان: ۱۵ – ۱۶).

– واقعاً شانس آوردم که دمپایی پرتاب شده‌اش از کنار گوشم رد شد. این اسلحه تدافعی و تهاجمی همه اعضای خانواده آن‌ها بود و هر وقت عصبانی می‌شدند، مانند تیغ پرت کردن تیشی، دمپایی پرت می‌کردند. خود حمید از همه شان حرفه‌ای‌تر بود و مثل یک تیشی‌هار در همان حالی که دمپایی در پایش بود و می‌دوید آن را به سمت هدف پرتاب می‌کرد. به غیر از توشله بازی شاید در تیم ملی دمپایی پرت کنی هم می‌توانست افتخارآفرینی کند (همان: ۱۸ – ۱۹).

ب- طنز موقعیت

یکی دیگر از تکنیک‌های طنز، طنزهای موقعیت است.

«در این نوع از طنز، طنزپرداز با الفاظ سر و کار ندارد و اساس و پایه آن بر مفاهیم مبتنی است. در این نوع طنز در واقع طنزنویس با اغراق و مبالغه در سطح کلام، واژگون کردن حقیقت موقعیت‌ها و چیدن موقعیت‌های متضاد و متناقض در کنار هم، اختلال در هنجار عادی کلام (هنجارشکنی) و نیز دادن شکلی تمثیلی به وقایع و ترکیب زمان به آفرینش طنز دست می‌زند» (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

در رمان «آبنبات هل‌دار» به چند نمونه برای طنز موقعیت اشاره می‌شود.

– باز بودن زیب شلوار محمد در مراسم خواستگاری‌اش.

- وارد شدن مادر امین به دفتر مدرسه زمانی که محسن و دوستش تنبیه می‌شدند.
- تغییر نامه ملیحه به محمد با موضوع خواستگاری بی‌بی و جواب ندادنش به علت نبودن محمد در خانه.

ج- تکرار

«یکی از ویژگی‌های سبک ادبی و یکی از شیوه‌هایی که باعث افزودن موسیقی کلام می‌شود تکرار است. این تکرار ممکن است تکرار واج، هجا، واژه، عبارت، جمله یا مصراع باشد. تکنیک تکرار به‌تنهایی ظنرساز نیست، بلکه به نوعی نقش یاری‌رسانی در ساخت موقعیت طنز دارد. تیک‌های کلامی و رفتاری و تکیه‌کلام‌های شخصیت‌های داستانی یا نمایشی، نمودهایی از کاربرد همین تکنیک به‌شمار می‌رود» (حسام‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵).

مهرداد صدقی از این تکنیک در اثر خود بسیار بهره برده است چه در تکرار واج، عبارت و تکیه کلام و چه تکرار رفتار. برای مثال تکرار «هی» که تکیه کلام آقاجان بود. یا «جانم‌رگ» شخصیت بی‌بی. تکرار در حاضر جوابی‌های شخصیت محسن مثلاً در مواجهه با ملیحه، تکرار اسم ناصر محمدخانی، یا در مواجهه با آقای اشرفی همچنین تکرار رفتار را هم می‌توان در ساندویچ خوردن محسن، زنگ در خانه‌ها را زدن و فرار کردن و... مشاهده کرد.

د- غافل‌گیری

انسان، همیشه در رویارویی با جهان و واقعیت‌های آن ذهنیت پیش‌ساخته‌ای دارد که اگر ناگهان به دلیل رویدادی این ذهنیت تحقق نیابد، دچار حیرت و سردرگمی می‌شود که از آن به‌عنوان غافل‌گیری نام برده می‌شود. از تکنیک غافل‌گیری نیز در رمان «آبنبات هل‌دار» بهره گرفته شده است. برای مثال گرفتن سطل حلیم و کاسه حلیم توسط مادر امین، انتظار تأثیر گرفتن دریا از نگاه محسن و برعکس آوردن ترکه ضخیم‌تر از زیرزمین توسط دریا، ندادن اسکناس ۱۰ تومانی به محسن زمانی که شاباش هایش را به داماد داده بود و...

ه- وارونه‌سازی

«وارونه‌سازی، آبرونی و دلیل عکس هر سه برای این تکنیک خوانده می‌شوند. آبرونی، یکی از مباحثی است که بحث‌های فراوانی درباره آن مطرح شده است. شاید اولین تعریفی که ذهن به آن می‌رسد، این باشد که «آبرونی؛ یعنی گفتن چیزی برای رساندن معنی مخالفش». پس وارونه‌گویی، وارونه‌نمایی یا وانمودسازی، چیزی است که در تعریف آبرونی بر سرش کمابیش اتفاق نظر هست» (موکه، ۱۳۸۹: ۶-۵).
«- توی راه خواستم زنگ خانه آقای احمدی را بزنم و فرار کنم تا به دلیل رکاب‌زدن سریع با دوچرخه زودتر به مسجد برسم. توی دلم گفتم چون برای کار خیر و رسیدن به مسجد است اشکالی ندارد (صدقی، ۱۳۹۲: ۲۴).

- معلم گفت: تاریخ به ما می‌آورد که هیچ‌کس از تاریخ نمی‌آموزد (همان، ۱۲۸).
- از ساندویچی که در آمدم یگراست رفتم سراغ خرید ماهی. هر چند از روی پول ماهی خورده بودم

طبق محاسباتم همچنان می‌شد ماهی گیر آورد. مگر چه اشکالی دارد آدم ماهی ارزان‌تری بخرد؟ مهم به جا آوردن رسم است. پس اگر کسی میلیونر بود باید کوسه و نهنگ بخرد؟» (همان، ۱۹۰).

۳- نتیجه‌گیری

ورود طنز به آثار داستانی دفاع مقدس نقطه عطفی در جهت تغییر فضای این آثار محسوب می‌شود. این رویداد در کنار کم کردن تلخی روایت‌های این حوزه از طریق طنز آفرینی، زمینه‌ای برای ورود نویسندگان بیشتری به حیطه نوشتن آثار دینی و دفاع مقدس شده است و نشر آثار متنوع‌تر و بالنده‌تری را رقم زده است. بنابراین انجام پژوهش‌ها درباره طنز و نحوه به کارگیری آن مسیر مساعدتری را در جهت افزایش کیفیت و شکوفایی آثار ادبی ایجاد خواهد کرد. در این مقاله با مرور تمام مطالعات و مبانی نظری تحقیق، تکنیک‌های طنز به‌طور کلی در دو دسته عمده در نظر گرفته شد؛ دسته اول تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان است که خود شامل شگردهای ایهام، ابهام، کنایه و طعنه و بازی‌های زبانی-بیانی است و گروه دوم تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان است که شامل تکنیک‌های شخصیت‌محور، موقعیت‌محور و تخیل هستند که اینها خود شامل یک‌سری شگردهای دیگر هستند که در نمودار مقاله نشان داده شد. در مرحله بعد تمامی این تکنیک‌ها در رمان «آبنبات هل‌دار» بررسی شد و یافته‌ها حاکی از آن بود که نویسنده رمان «آبنبات هل‌دار» از تکنیک‌های طنز متنوعی بر پایه تکنیک‌های زبانی استفاده کرده است. در راستای هدف سوم بیشترین و قوی‌ترین تکنیک استفاده شده در این رمان شناسایی شد و می‌توان گفت تکنیک‌های طنز مبتنی بر محتوای زبان قوی‌تر و بیشتر از دسته اول یعنی تکنیک‌های مبتنی بر کاربرد زبان استفاده شده بودند. به‌صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که شگردهای شخصیت‌محور از زیر شاخص‌های تکنیک‌های مبتنی بر محتوای زبان، خیلی قوی‌تر و با قدرت بیشتر در رمان ظاهر شده‌اند. این تکنیک‌ها باعث شده است که شخصیت اصلی، یعنی محسن نوجوان، در این اثر به‌عنوان شخصیتی طنز شکل بگیرد که در این راستا شگردهایی مثل کوچک‌سازی (تشبیه مضحک و حیوانات)، کاریکاتور، انعطاف‌ناپذیری و حماقت (لودگی) دست به دست هم داده بودند تا این فرایند اتفاق بیفتد. انسجام و پیوند این تکنیک‌ها در رمان باعث شده بود که گفتار، حرکات و رفتارهای محسن نوجوان به‌عنوان شخصیت طنز رمان، بسیار واقعی و به دور از تصنع در کل بخش‌های رمان بنشیند و به خواننده رمانی سر تاسر طنز ارائه دهد.

فهرست منابع

۱. اسدی‌پور، بیژن و عمران صلاحی. (۱۳۷۶). *طنز آوران امروز ایران*. تهران: مروارید.
۲. اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: کاروان.
۳. اکرمی، محمدرضا و محدثه پیشوایی. (۱۳۸۹). *نقدی بر آثار طنز عمران صلاحی از منظر تنوع قالب‌ها*. تهران: پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، پیش شماره یک، صص ۲۹-۵۷.

۴. برگسون، هنری. (۱۳۷۹). *خنده*. ترجمه عباس میرباقری. تهران: انتشارات شبانویز.
۵. بهره‌مند، زهرا. (۱۳۸۹). آیرونی و تفاوت آن با طنز و صنایع بلاغی مشابه. *زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۵، صص ۳۶-۹.
۶. بهزادی اندوهجردی و مریم شادمحمدی. (۱۳۹۰). ساز و کارهای طنز آفرینی در داستان‌های کوتاه جلال آل احمد، هرمزگان: دانشگاه آزاد بوشهر. *فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*، شماره پیاپی دهم، صص ۲۰۲-۱۷۳.
۷. بهزادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). *طنز و طنزپردازی در ایران*. تهران: صدوق.
۸. توکلی، جعفر (۱۳۹۵). *طنز در ادبیات نمایشی دفاع مقدس با نگاهی به آثار علیرضا نادری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۹. جابری اردکانی، سید ناصر؛ حسینی، اسما. (۱۳۹۴). شیوه طنزپردازی در دو اثر از اکبر صحرائی، کرمان: نشریه ادبیات پایدار، سال هفتم، شماره دوازدهم، صص ۸۱-۶۱.
۱۰. جوادی، حسن. (۱۳۸۴). *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*. تهران: کاروان.
۱۱. حری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). *درباره طنز*. تهران: سوره مهر.
۱۲. حسام‌پور، سعید؛ دهقانان، جواد؛ خاوری، صدیقه. (۱۳۹۰). بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی. *مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*، سال دوم، شماره اول، صص ۱۱۴-۶۱.
۱۳. حسنی، محمدحسین. (۱۳۹۱). *بررسی تکنیک‌های طنز در رمان دایی جان ناپلئون*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. هرمزگان: پردیس دانشگاه قشم.
۱۴. حلبی، علی اصغر. (۱۳۶۵). *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران*. تهران: پیک ترجمه و نشر.
۱۵. سزاوار، علیرضا. (۱۳۹۷). *شکل‌شناسی طنز بر اساس نظریه فونائزی در آثار کودک و نوجوان*. رساله دکتری. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۶. سلیمانی، محسن. (۱۳۹۱). *اسرار و ابزار طنزنویسی*. تهران: سوره مهر.

۱۷. شریف‌پور، عنایت‌الله؛ قیصری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). بررسی مضامین طنز در خاطره نوشته‌های دفاع مقدس. کرمان: نشریه ادبیات پایداری، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۲۳۶-۲۰۹.
۱۸. صدقی، مهرداد. (۱۳۹۲). آبنبات هل‌دار. تهران: سوره مهر.
۱۹. صفایی، علی؛ ادهمی، حسین. (۱۳۹۳). نمود تکنیک‌های طنز در ساختار پیرنگ داستان‌های فرهاد حسن‌زاده. تهران: فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سی و دوم، صص ۱۶۶-۱۱۹.
۲۰. فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها. تهران: انتشارات سخن.
۲۱. قیصری، عبدالرضا؛ صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). طنز در کتاب جنگ دوست‌داشتنی. کرمان: نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول، صص ۱۲۵-۱۱۳.
۲۲. کردچگینی، فاطمه. (۱۳۸۸). شکل دیگر خندیدن. مجموعه مقالات کتاب طنز ۵. تهران: سوره مهر.
۲۳. کریچلی، سیمون. (۱۳۸۴). در باب طنز. ترجمه سمی، سهیل. تهران: ققنوس.
۲۴. مجیدی فشمی، امیر. (۱۳۹۵). تحلیل مقایسه‌ای طنز نوجوان در آثار داستانی فرهاد حسن‌زاده و سید سعید هاشمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشت: دانشگاه گیلان.
۲۵. محمدی فشارکی، محسن؛ هاشمی‌زاده، رؤیا. (۱۳۹۳). تحلیل داستان گدای ساعدی بر اساس اصول و ویژگی‌های مکتب اگزستانسیالیسم. تهران: متن پژوهش ادبی، سال ۱۸، شماره ۶۰، صص ۱۲۴-۱۰۵.
۲۶. موکه، داگلاس کالین. (۱۳۸۹). آبرونی. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
۲۷. مونس عبدی‌زاده. (۱۳۹۷). بررسی آبرونی در آثار اکبر صحرايي و داود امیریان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.
۲۸. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۶). صد سال داستان نویسی ایران، جلد ۳ و ۴. تهران: نشر چشمه.
۲۹. نبوی، سید ابراهیم. (۱۳۷۹). کاوشی در طنز ایران. جلد اول و دوم. تهران: جامعه ایرانیان.
۳۰. نجف‌زاده بارفروش، محمد؛ فرجیان، مرتضی. (۱۳۷۰). طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب، جلد ۳. تهران: بنیاد.

۳۱. نصر اصفهانی، محمدرضا؛ فهیمی، رضا. (۱۳۹۰). نگاهی به طنز اجتماعی در دو اثر از آنتوان چخوف و صادق هدایت.

تهران: پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره دوم، شماره سوم، صص ۸۵-۱۰۷.

۳۲. نیکویخت، ناصر. (۱۳۸۰). هجو در شعر فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

33. Abrams, M. H. (1999) A Glossary of Literary Terms/ Seventh, ed. Boston: Heinle & Heinl.

34. [http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=\(13950604000940\)](http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=(13950604000940)).